

سردار سرلشکر پاسدار شهید حسن شفیع زاده

در مرداد سال 1336 ه.ش در يك خانواده مذهبی در شهرستان تبریز متولد گردید...



فمانده ته‌بخانه نه‌ه، میند، سپاه

در مرداد سال 1336 ه.ش در يك خانواده مذهبی در شهرستان تبریز متولد گردید و تحت تربیت پدر و مادری مؤمن، متدین و مقلد امام پرورش یافت. از همان کودکی در مجالس دینی از جمله برنامه های سوگواری امام حسین(ع) حضور داشت و عشق خدمتگزاری به آستان شهید پرور حضرت ابا عبدالله(ع) در عمق وجودش ریشه دوانید. سادگی، بی آلاشی و گذشت او در سنین کودکی زبازد همه بود. حق را می گفت ولو به ضررش تمام شود. در محله شاخص و محور همسالان خود بود. به مسجد که می رفت چون بزرگترها عمل می نمود و از جمله کسانی بود که در پذیرایی عزاداران حسینی نقش فعالی داشت. **فعالیت های سیاسی مذهبی** در سن 12 سالگی از نعمت پدر محروم گردید. چون فرزند ارشد خانواده بود با آن روحیات و مردانگی اش عملاً غمخوار مادر فداکار و دلسوز خود شد. با جدیت تمام و احساس مسئولیت، بیشتر از گذشته هم درس می خواند و هم به مادرش در اداره امور منزل کمک می کرد و از مساعدت به خواهر و برادرانش نیز دریغ نداشت. ضمن اینکه به ورزش، خصوصاً وزنه برداری علاقمند بود، در دوران تحصیل، دانش آموزی باوقار، محبوب، مؤدب و کوشا بود و همواره سعی می کرد تکالیف دینی خود را انجام دهد. پس از اخذ دیپلم به سربازی اعزام گردید و همزمان با اوج گیری حرکت توفنده انقلاب اسلامی در سایه رهنمودهای حضرت **امام خمینی(ره)** با روحانیون معظم در تبعید، همچون شهید **آیت الله مدنی** و شهید **آیت الله دستغیب** در تماس بود و در داخل پادگان، فعالیت های زیادی جهت راهنمایی نظامیان و خنثی کردن تبلیغات حکومت نظامی انجام می داد و در همان حال به پخش پیام ها و اعلامیه های رهبر عظیم الشأن انقلاب در داخل و خارج پادگان نیز می پرداخت. نقل می کنند: روزی که مأمورین رژیم، به دستور فرمانده حکومت نظامی، در تبریز قصد هجوم به منزل شهید آیت الله مدنی(ره) جهت دستگیری ایشان داشتند، او به همراه دوستانش نقشه مقابله با مزدوران رژیم را در مراسم عزاداری عاشورای حسینی طراحی کرده بود، که قبل از هر گونه اقدام، ضد اطلاعات از موضوع با خبر شده و آنها را جهت ادامه خدمت سربازی به مرند تبعید می نماید. ایشان پس از چندی به فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر ترك پادگان ها، خدمت

سپاهیان را که به سپاه، خه‌شان، مبارزان، امت اسلام، به‌ست. **فعالیت ها، ده‌ان، انقلاب** او با شور وصف ناپذیری در روزهای سرنوشت ساز 21 و 22 بهمن ماه 1357 تلاش می کرد و برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نبود. هنگامی که در اوج پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی درب پادگان ها بر روی مردم باز شد به همراه تعدادی از جوانان و دانشجویان حزب الهی تبریز برای جلوگیری از افتادن سلاح های بیت المال به دست ضد انقلاب، بخشی از سلاح ها را جمع آوری و گروه مسلحی را جهت دستگیری ضد انقلاب و ساواکی ها تشکیل داد. **ورود به سپاه و مقابله با ضد انقلاب** شهید شفیع زاده بعدها به دنبال تشکیل سپاه، به همراه دیگر برادران، اولین هسته های مسلح سپاه را پی ریزی کرد و در سمت مسئول عملیات سپاه تبریز در سرکوبی خوانین و اشرار آذربایجان و حزب منحرف خلق مسلمان نقش فعال داشت. هنگامی که به همراه **شهید یاکری** در سپاه ارومیه انجام وظیفه می کرد به عنوان مسئول عملیات برای ایجاد امنیت آن منطقه، در درگیری های متعدد برای سرکوبی گروه های فاسد تلاش شبانه روزی نمود و توانست در تشکیلات حزب منحل دموکرات نفوذ کرده و باعث متلاشی شدن آن و دستگیری و اعدام تعداد زیادی از کادرهای آنان گردد. بهترین و پیر ثمرترین لحظات حضور در سپاه تبریز، روزهایی بود که در بیت شهید آیت الله مدنی(ره) به عنوان مسئول تیم حفاظت ایشان انجام وظیفه می نمود. در جوار آن عالم عارف بود که غنچه های خلوص، صداقت، ایثار و زهد شهید شفیع زاده گل کرد و بعدها در جبهه های نبرد نور علیه ظلمت میوه داد. **شرکت در دفاع مقدس** با شروع جنگ تحمیلی و محاصره آبادان، با يك دسته خمپاره انداز که تحت مسئولیت شهید باکری اداره می شد به جبهه های جنوب شتافت. ایشان به همراه تعدادی دیگر از رزمندگان برای حضور در جبهه آبادان با تحمل مشقات چندین روزه از طریق ماهشهر و به وسیله لنج از راه خورموسی خود را به این شهر رساند و در ایستگاه هفت مستقر گردید. بعدها با فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر شکستن حصر آبادان، نقش تاریخی خود را در شکستن محاصره آبادان و دفع متجاوزان و اشغالگران بعثی ایفا نمود. شهید شفیع زاده پس از عملیات طریق القدس به عنوان رئیس ستاد تیپ کربلا که تازه تشکیل شده بود انجام وظیفه کرد و در شکل گیری، انسجام و فرماندهی آن نقش اساسی داشت. در عملیات پیروزمندانه فتح المبین معاون تیپ المهدی (عج) بود و خاطره رشادت ها و

حانفشان، ها، اه، ده‌ان، مسئله، جنگ ه هم‌مانش، هگ از باد نم، ده‌ان، **فمانده، ته‌بخانه سپاه** پس از این عملیات، با اندیشه بلندی که داشت و تجربیاتی که کسب کرده بود، متوجه گردید که با گسترش سازمان رزمی مردمی، برای انجام عملیات بزرگ، نیاز به تشکیلات پشتیبانی آتشی به نام توپخانه می باشد. با همفکری تنی چند از فرماندهان، ضمن پی ریزی و سازماندهی اولین آتشبارهای توپخانه، مسئولیت هماهنگی پشتیبانی آتش در قرارگاه فتح در عملیات بیت المقدس را به عهده گرفت و به خوبی از عهده این وظیفه بزرگ برآمد. او با برخورداری از قدرت ابتکار، خلاقیت و آینده نگری، همیشه طرح های دراز مدت

که مبتنی بر واقع بینی در کارها و برنامه ها بود. ارائه می داد، ضمن آنکه بر مسأله آموزش نیروهای نیز تأکید فراوان داشت. بعدها با تلاش بی وقفه و شبانه روزی خود قبضه های غنیمتی را در قالب توپخانه های لشکری و گردان های مستقل توپخانه به سرعت سازماندهی کرد و در عملیات رمضان، اکثریت قریب به اتفاق توپ ها را علیه دشمن بعثی بکار برد و در ادامه، با به دست آوردن توپهای غنیمتی بیشتر، گروه های توپخانه را به استعداد چندین گردان شکل داد. این گروه ها بازوهای قوی برای فرماندهی قوای رزمی و پشتیبانی محکم برای رزمندگان بودند. در نبردهای خیبر، **والفجر 8، کربلای 1، کربلای 4، کربلای 5** که سپاه پاسداران به لحاظ عملیاتی مسئولیت مستقلی داشت، پشتیبانی آتش کل منطقه عملیات، با رهبری و هدایت ایشان انجام گرفت. اوج هنرنمایی و شکوفایی خلاقیت ایشان در عملیات والفجر 8 تجلی یافت. آتش پر حجم و متمرکزی که با برتری کامل، علیه دشمن اجرا نمود، به اعتراف فرماندهان اسیر عراقی، در طول جنگ کسی به خود ندیده بود؛ زیرا قسمت اعظم یگان های دشمن، قبل از رسیدن به خط مقدم و درگیری با رزمندگان اسلام، منهدم می شد. **سردار رحیم صفوی فرمانده کل سپاه در پیامی نقش او را در جنگ چنین توصیف کردند:**

171«؛سیمای او تجلی اراده و مقاومت و تلاش و پیکارش همواره الهام بخش رزمندگان بود. عزیزی که ثمره سخت کوشی های او در جبهه ها همیشه مشهود بود. با تقویت آتش سنگین پیکارگران جبهه نور، که صف دشمنان را از هم می گسست، رؤیای خام قادیسیه را به کابوسی و حشتناک بدل می ساخت، اوج قدرت آتش توپخانه را جهانیان در نبردهای **والفجر 8، کربلای 5** و کربلای 8 به چشم دیدند و زبان به اعتراف آن گشودند، آنجا که شهید عزیز ما و همزمانش با آتش سهمگین، لشکریان دشمن را مضمحل و ضایعات جبران ناپذیری بر خصم زبون وارد نمودند. « شهید شفیع زاده ضمن شرکت در کلیه صحنه های عملیاتی، مسئولیت فرماندهی توپخانه و طرح ریزی و هدایت آتش پشتیبانی را در قرارگاه های مختلف به عهده داشت و آخرین مسئولیت ایشان فرماندهی توپخانه نیروی زمینی سپاه و قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) بود. **ویژگی های اخلاقی** شهید شفیع زاده فردی صبور، متواضع، گشاده رو و بشاش بود. در تمام امور، ایثار و گذشت بسیاری از خود نشان می داد و در هر کاری که پیش می آمد ابتدا خود پیشقدم می گردید. به هنگام عملیات و در زمانی که آتش دشمن در خط مقدم شدت پیدا می کرد، در خط اول حضور می یافت و آخرین وضعیت منطقه را برای برنامه ریزی صحیح و هدایت دقیق آتش، بررسی می کرد. در تصمیم گیری ها از نظرات دیگران سود می جست و در برخوردها و قضاوت عدالت را رعایت می کرد. در روابط اجتماعی، با دیگران رفتاری پخته و پسندیده داشت و در هر محیطی که حضور پیدا می کرد همگان را تحت تأثیر قرار می داد. شهید شفیع زاده در انجام واجبات و ترك محرمات کوشا بود. به مستحبات اهمیت می داد. اهل نماز شب بود. کم سخن می گفت و با کردارش دیگران را به عمل صالح دعوت می کرد. از تشریفات و تجملات به شدت دوری می جست و سادگی و بی آلایشی را مشی خود قرار داده بود. در ایام پیروزی انقلاب اسلامی شب و روز نمی شناخت و بعد از آن، در طول جنگ تحمیلی، مخلصانه انجام وظیفه می نمود و هرگز راحت در بستر نخت. برادر ایشان نقل می کند: دوبار او را در جبهه دیدم. بار اول زمانی بود که برای دیدنش به پادگان شهید حبیب الهی اهواز رفتم و سراغ او را گرفتم. دوستانش خندیدند و گفتند اگر او را پیدا کردی سلام ما را هم به او برسان. مرتبه دوم در قرارگاه کربلا بدون هیچ گونه تکلفی در کنار سایر نیروها در آن گرمای سوزان جنوب در سنگر خفته بود، در حالی که روزنامه رویش انداخته بود. می گفتند شب نخوابیده و خیلی خسته است. او مدام در حال سرکشی از یگان ها و هماهنگی آتش پشتیبانی رزمندگان اسلام در جبهه های جنگ بود و معتقد بود هر چه قبل از عملیات تلاش نماید به اذن

الف، تضمین، داء، مهفقت لشک نا، حمه حة، خواهد بد. **نحمة شهادت**
شهید شفیع زاده در تاریخ 66/2/8 در منطقه عملیاتی کربلای 10 در شمالغرب (منطقه عمومی ماووت) در حالی که عازم خط مقدم جبهه بود، خودروی وی مورد اصابت ترکش گلوله توپ دشمن قرا گرفت و به آرزوی دیرینه خود نایل شد و به دیدار معشوق شتافت. او همان طوری که در عرصه نبرد با دشمن متجاوز مراتب بالایی از توان و تخصص، مدیریت و پشتکار را ارائه داد، در میدان نبرد با نفس اماره نیز موفق و سربلند بود. ایثار و از خودگذشتگی، بخصوص اخلاق او کم نظیر بود و نهایت دقت و مراقبت را به عمل می آورد که اعمال و فعالیتش تماماً خالص و قرۃ الی الله باشد. او با اقتدا به مولایش امام حسین(ع) شهادت را فوز عظیم می دانست و همواره مشتاق آن بود. **گوشه ای از وصیت نامه خدایا من به جبهه نبرد حق علیه باطل آمده ام تا جان خود را بفروشم. امیدوارم خریدار جهان من تو باشی، نه کس دگر. ... دلم می خواهد که در آخرین لحظه های زندگیم، بدنم و جسمم آغشته به خون در راه تو باشد، نه راه دیگر.**

... سلام بر امت شهیدپرور و نمونه که با حضور همیشگی خود در همه صحنه های حق علیه باطل، اسلام و امام را یاری کرده و قدرت نفس کشیدن و خواب راحت را از دشمن سلب کرده است.